ماجرای جالب یک سنگ گور

مشیری، محمد

در مسجدی که مقبرهء امامزاده ابراهیم(ع)در محله(دوه‏چی)شتربان شهر تبریز در آن واقع است،سنگ مرمر خوش‏رنگ،محکوک و منقش بسیار،بسیار نفیس‏ و ممتازی بطول چهار متر و عرض یک متر و نیم بدیوار نصب شده که سرگذشت واقعا جالب و مفصلی دارد.

در اواخر قرن سیزدهم هجری میرزا سنگلاخ خراسانی که از اساتید مسلم‏ حجاری و خوشنویس ماهری بود در تبریز زندگی میکرد و بعزم سیاحت-شهرهای مهم‏ ایران و سپس کشورهای ترکستان،افغانستان،قفقاز و عربستان را گردیده و بسال‏ 1270 هجری بمصر رسیده و سنگ مورد بحث را پیدا کرده و روی آن شروع بکار نموده‏ مهارت و استادی تام خود را در تراش این سنگ نشان داده است.

اطراف این مرمر بسیار نفیس یک پارچه از خود سنگ قابی درآورده و در حاشیه قاب،آیات قرآن،اشعار،دعا و شبکه‏ها و گل و اسلیمی و برگهای بسیار ظریف‏ و ممتازی حکاکی کرده و در وسط صفحه سنگ داخل قاب در مساحتی بطول یک متر و نیم و عرض نیم متر یک(بسم اللّه الرحمن الرحیم)بخط نسخ حک کرده که در حسن خط و زیبائی نظیر ندارد.

این خط بی‏نهایت شکیل و عالی پنج سانتیمتر ضخامت و برجستگی دارد.

قلم خط بسیار ظریف و نازک و بسیار صاف و جالب میباشد.حاشیهء که دور خط را گرفته و در داخل قاب قرار دارد مشحون از گل سرخ و برگها و غنچه‏های‏ گلهای مختلف است در عین حالیکه داخل هم شده‏اند هرکدام بطور علیحده و مشخص‏ جلوه خاصی دارند.

نظاره این اثر جالب بیننده را بطوری خیره و مسحور و از خود بیخود میکند که بی‏اختیار بر مهارت و استادی آفریننده آن آفرین گفته و یقین حاصل میکند که‏ بی‏شبهه اثر دست و هنر صنعتگر بی‏بدیل و چیره‏دست ماهری است.

میرزای سنگلاخ پس از آماده کردن این سنگ با آرزوی بسیار و تحمل‏ مشقت زیاد(با در نظر گرفتن حجم و وزن و نقش وسایل حمل آنروزی)به شهر استانبول‏ مرکز خلافت عثمانی حمل میکند و برای فروش به سلطان عبد العزیز عرضه میکند، چون خلیفه عثمانی به صنعت او اهمیت نداده و قدر این هنر را نمی‏داند میرزا مأیوس‏ شده و آنرا با زحمت و مرارت بسیار بایران حمل کرده و با مراجعه به ناصر الدین شاه‏ میخواهد باو بفروشد،این شاه نیز قیمتی که لایق زحمت استاد باشد باو نمیدهد.

میرزای سنگلاخ که درآفریدن این اثر زحمت بسیاری کشیده بود از اینکه‏ باثر دست و هنر او ارجی نمی‏نهند رنجش کامل پیدا کرده و از فروش آن منصرف شده‏ و وصیت میکند پس از مرگ آنرا سنگ قبرش قرار دهند،بالاخره همینطور میشود پس از مرگ سنگلاخ سنگ مرمر را بالای سرقبر او که در مسجد امامزاده ابراهیم است روی‏ دیوار نصب مینمایند.

جای حیرت است که این سنگ بزرگ و سنگین را خود سنگلاخ از مصر باستانبول و از آنجا بایران حمل کرده و بدون عیب و صحیح و سالم رسانیده ولی با کمال‏ تأسف مردمان نالایقی که مباشر حمل آن سنگ از خانه بگور سنگلاخ بودند ضمن‏ حمل آنرا شکسته و دو تیکه ساخته‏اند.

لازم است خاطر خوانندگان عزیز را مستحضر گرداند که سنگلاخ از خوشنویسان بسیار مشهور زمان خود بوده و هم‏چنین کلیه شرح سیاحت و مسافرتهای خود را با شرح حال خطاطان و حجاران و شاگردان خود و سایر صنعتگران معاصر را در کتاب مشروحی بنام(تذکرة الخطاطین)در دو جلد تألیف و چاپ و منتشر کرده است.و نیز تألیف دیگری بنام(درج جواهر)دارد که آن نیز بچاپ رسیده است.

میرزا سنگلاخ در کتاب(تذکرة الخطاطین)خود،درباره شهرهای تبریز، تفلیس،ایروان،نخجوان،خاطرات شیرین و جالبی را شرح میدهد.

خوشبختانه کتاب(تذکرة الخطاطین)بخط خود مؤلف بوده و یکی از نمونه‏های‏ زیبا و بسیار خوش‏خط فارسی است.